

عنوان مقاله:

نقش نظریات پارادایم نوفهمی در برنامه ریزی درسی دانش آموزان در نظام آموزشی

محل انتشار:

اولین همایش بین المللی افق های نوین در آموزش و پرورش در هزاره سوم (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسندگان:

نقیسه پورقلی - کارشناسی روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی قم

سوسن جلوخانی نیارکی - کارشناسی گرایش: زیست شناسی عمومی، دانشگاه: پیام نور کرج

یاسمن شایق - کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش دبستان و پیش دبستان، دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا یزد

محمد نوروزیان - کارشناسی ارشد گرایش: مهندسی معماری، دانشگاه: آزاد شیراز

خلاصه مقاله:

نظام های تعلیم و تربیت همواره در جست و جوی راه هایی برای ارتقای کیفیت و اثربخش تر کردن فعل و انفعالاتی هستند که تربیت و شکوفایی استعداد های یادگیرندگان را هدف قرار داده است. شواهد نشان می دهد که جریان غالب در تاریخ تعلیم و تربیت جهان تکیه بر انگاره علمی و مهندسی دارد و مبنا و منطق آن قیاس ساده انگارانه و فروکاست گرایانه ای است که متولیان نظام های تعلیم و تربیت به آن تن داده اند. در چهارچوب این قیاس دستگاه صنعت مظهر تلاش های موثر و مثمر در دستیابی به کارایی و بهره وری معرفی شده و چنین نتیجه گرفته می شود که انتقال راهبردها و اصولی که در این عرصه پاسخگو بوده است، می تواند به ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت و پاسخگویی این نظام ها هم بینجامد. این قیاس از آن حیث ساده انگارانه است که به جرات می توان گفت هیچ نسبت معناداری میان آن چه ماموریت دستگاه صنعت و تعلیم و تربیت است؛ وجود ندارد. این تناسب تنها در ذهن مدیران و سیاست گذارانی شکل گرفته است که یا به عمق ظرافت، پیچیدگی و حساسیت امر تعلیم و تربیت پی نبرده اند یا در مقام تصمیم گیری های کالان، خود را ناچار از تن دادن به راه حل های این چنینی و در واقع پاک کردن صورت مسئله دیده اند.

کلمات کلیدی:

مدارس، برنامه درسی، آموزش و پرورش، معلمان.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1974585>

